

میم مثل معلم

(متفاوت و موثر عمل کن)

۱۲۰ کپیۀ طلایی برای معلمان

www.ketab.ir

نویسنده

سیماءزاده محمودی

سرشناسه	: زاده محمودی، سیما، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور	: میم مثل معلم (متفاوت و موثر عمل کن): ۱۲۰ کلید طلایی برای معلمان/ سیما زاده محمودی.
مشخصات نشر	: اصفهان: کنکاش، ۱۴۰۰.
شابک	: 978-600-136-686-4
عنوان دیگر	: ۱۲۰ کلید طلایی برای معلمان.
موضوع	: معلمان -- اخلاق حرفه‌ای Teachers -- Professional ethics معلمان -- اثر بخشی Teacher effectiveness
رده بندی کنگره	: LB۱۷۷۹
رده بندی دیویی	: ۳۷۱/۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۱۸۵۰۵

انتشارات کنکاش ناشر، برتر کشور سال ۱۳۹۰ و ناشر برگزیده‌ی استان سال ۱۳۸۸

میم مثل معلم (متفاوت و موثر عمل کن)



مؤلف:	سیما زاده محمودی
ناشر:	انتشارات کنکاش
نوبت چاپ:	اول
تاریخ نشر:	۱۴۰۰
تیراژ:	۱۰۰۰ جلد
مدیر تولید:	محمد جزینی
چاپ:	کنکاش
صحافی:	مردانی
قیمت:	۶۵۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۱۳۶-۶۸۶-۴

افهان، سه راه حکیم نظامی، ابتدای خیابان ارتش، چاپ و نشر کنکاش تلفن: ۳۶۲۵۸۰۴۹ (۰۳۱)

فهرست

زنگ اول	۱۱
شناخت مدارقده های حی	۱۱
زنگ دوم	۲۳
برای کلاس مدرسی موثر و متفاوت باش	۲۳
زنگ سوم	۴۵
با دانشموزانت روابط جذابتری برقرار کن	۴۵
زنگ چهارم	۵۳
تلفی ها را به شیرینی تبدیل کن	۵۳
زنگ پنجم	۶۵
در دنیای اولاد و حکمرانت حضوری زیباتر داشته باش	۶۵
زنگ ششم	۸۱
قدم در بوستان انگیزه و رشد شخصی	۸۱

مقدمه

تدریس، هنری گمشده نیست بلکه احترام به آن، سنتی گمشده است. (ژاک بارزون)

شروع سنوات خدمتم با عشق و شوری وصف نشدنی بود، دیالوگ های من در ۱۰ سالگی در نقش یک معلم پرشور و هیجان در بازی های کودکی ام داشت به رویاهایم رنگ واقعیت می داد تصویر آن روز در رنگ انشاء با موضوع همیشگی می خواهید چکاره شوید؟ دوباره در جلوی چشمانم نقش بست و صدایی کودکانه و پر از ذوق و شوق، محکم و بدون ذره ای تردید. (می خواهم معلم شوم) یگانه عامل محرک و مشوق من برای تحمل فراز و نشیب های زندگی پر از چالشم بود.

سال ۷۰ را سال تحقق رویای دیرینه ام نام نهادم حال باید دیالوگ های کودکانه در بازی معلم بودن رنگ واقعیت به خود می گرفت قدم در مسیری گذاشتم که پوشیدن چکمه های آهنین می طلبد روحم را در دشت پراز شکوفه و سنگلاخ رها کردم، به خنده هایم رنگی از عشق و به دلوپسی هایم رنگی از تعهد و ایمان دادم برای رسیدن به بهترین خودم بودن، باید نفس هایم را در دریای مطالعه و پژوهش و علم حبس می کردم کتاب تجارب شیرین و

دلچسب حضور در کنار آموزگاران عاشقم را دوباره مرور کردم درسهایی از اخلاق و منش واقعی معلم بودن آموخته بودم و جوانه عشق به تدریس را در وجودم پرورش داده بود نگاه مهربانانه و پر از تعهد و دلسوزی هایشان چراغ راهم شد می خواستم لایق لحظات دلوایسی مادرم نگاه های پر مهر آموزگارانم و دستان حمایت گر عزیزانی، باشم که سنگلاخ های مسیر رسیدن به آرزوهای اثر گذار تجاربی که توشه راه سالهای تحصیل بود. و ایده آل هایی از تصورات شیرین خودم برای دانش آموزانم همه و همه حالا سرمایه من برای شروع و قدم گذاشتن در جاده عاشقی یک معلم خودجوش و شیفته آموزش بود. حال که اولین روزهای زیبای فراغت و بازنشستگی را نفس می کشم همچنان عطر خوش رضایت و افتخار در فضای ذهنم مرا مست تجدید دوباره خاطراتم می کند این کتاب حاصل عاشقانه های من در ارتباط با دانش آموزان، اولیاء و همکاران است. گوشه ای از تجارب ۳۰ ساله من در مسیر آموزش و یادگیری است امید که چراغ راهی کوچک اما تأثیر گذاری برای همه کسانی باشد که می خواهند چهره زیباتری از تدریس از معلم از عشق به آموزش را در مخیله ی خودت ترسیم کنند شاید هم عامل اشتیاقی برای چشیدن طعم عشق معلمی و تدریس برای آنانی شود که گم شده ی مسیر رسالت خویش در جاده زندگی هستند.